



جهاد اسلامی و تفاوت آن با جنگ و هراس افگنی

بخش اول

بقلم: احمد منیب حکیمی

در عصر که فتنه و فساد عالم بشریت را فرا گرفته است، مسلمانان در سراسر جهان در اختلاف و تفرقه بسر می برند، از مرکزیت لازم سیاسی و مذهبی بهره ندارند، با استفاده از اوضاع نابسامان اجتماعی، دشمنان اسلام سعی دارند با چسپ خرافات و اعمال ضد انسانی با دین مقدس اسلام، این دین فطری بشریت را در اذهان بکوبند، می کوشند اعمال اغتیال، فتک و ارهاب را نه تنها به مسلمانان ارتباط دهند بلکه آنرا جزء از اسلام محسوب نمایند، برخی مسلمانان سطحی نگر و کم دانش نیز عمدا یا جهلا در پی اهداف دشمنان اسلام بوده آب در آسیاب دشمن می ریزند.

برخی را مشاهده می کنیم، که احکام اسلامی را برخلاف سنن و مبادی آن، مطابق اهداف و تمایلات فکری شان ترجمه و تاویل می نمایند، از جمله جهاد اسلامی که بحیث بزرگترین عبادت، ذروه سنم الاسلام خوانده شده است را مضحکه اطفال ساخته به بازی های سیاسی و نظامی مبدل ساخته اند. خاصتا در کشور ما در طول چند دهه جنگ قدرت از اصطلاحات شرعی جهاد و مجاهد تعبیر سوء صورت گرفته، گروههای سیاسی نظامی جنگهای قدرت را جهاد اسلامی ملقب نموده و افراد جنگجوی خود را مجاهد خوانده اند، سوء استفاده از نام جهاد اسلامی بیشتر هموطنان ما را در مغالطه انداخته، تمیز جنگ قدرت و جهاد اسلامی برای عوام الناس را غیر ممکن گردانیده است، گروههای سیاسی نظامی با کاربرد جهاد می خواهند حمایت توده های مسلمان را بخود جلب نمایند.

مفهوم جهاد اسلامی را وقتی میتوانیم درست درک نمائیم که به دستورات کتاب الهی رجوع نموده، در سیرت پیامبر اسلام، تاریخ خلفای راشدین و عصر تمدن اسلام دقت نمائیم و آنرا بحیث الگو در اقوال و اعمال خود محک قرار بدهیم، مراجعه به کتب معتبر علماء سلف در راستای درک حقایق دینی بهترین ممد میتواند واقع گردد.

وقتی اوضاع نابسامان فعلی جوامع اسلامی را تحلیل و بررسی نمائیم، دیده میشود که مسلمانان در دو نوع جنگ درگیر نزاع و کشمکش می باشند، یکی جنگ مسلمانان برای آزادی خاک شان که به شکلی مورد تجاوز و تعدی قرار گرفته است، دوم درگیری و منازعه داخلی با حاکمیت ها در داخل کشورهای اسلامی، یعنی جنگ مسلمان با متجاوزین و دیگر آن جنگ مسلمان با مسلمان.

جنگ داخلی مسلمانان، که هریک به علل و اسباب خاصی مرتبط است، در شریعت اسلامی فساد و فتنه نامیده شده به هیچ وجه قابل توجیه نمی باشد، قرآن کریم هیچ نوع جنگ داخلی مسلمان را قابل توجیه ندانسته و محکوم کرده است تا نظم اجتماعی برهم نخورد، اداره سیاسی مسلمانان تضعیف نشود و از ستم و بیدادگری جلوگیری گردد، سوره حجرات آیات ۹-۱۰ می فرماید: (هرگاه دو دسته از مؤمنان به جنگ برخاستند آنان را به صلح دعوت کنید و هرگاه یکی از آن دو، دست ستم گشود و از کشتار بازنگشت به آنان بجنگید تا به امر خداوند که صلح است باز گردند). اسلام جنگ برعلیه حاکمیت مسلمان را بغاوت پنداشته و حاکم مسلمان را به بر اندازی و نابودی بغاوت مکلف کرده است.

نوع دیگر جنگ، یعنی جنگ مسلمان با غیر مسلمان، که فرعی از جهاد اسلامی و قتال فی سبیل الله نامیده می شود، تحت شرایط خاص برای تامین هدف معلن و مشخص اجراء میشود، آیات و احادیث زیادی که متضمن مبادی و اصول قتال فی سبیل الله می باشد وارد شده است و کتب فقهی بحث های مفصلی در مورد ارایه کرده اند، جهاد مسلحانه (قتال فی سبیل الله) بحیث یک وسیله برای دفع ستم و رفع ظلم تجویز گردیده است، سبب تجویز جنگ در فقه اسلامی مبارزه با ستمگری و آزادی عقیده و ایمان است، در فقه اسلامی اجرای قتال و هر نوع برنامه جنگی منحصر و مشروط به موجودیت حاکم مسلمان قرارداد شده است.

نوع مضر و خطرناک جنگ که در عصر کنونی در برخی کشورهای اسلامی براه افتیده است، قتل و کشتار بدون ترحم تمام جوامع انسانی می باشد، که به هدف تضعیف و فروپاشی نظام اداری و سیاسی کشورهای اسلامی به پیش برده میشود، این جنگ تفاوتی بین دوست و دشمن قایل نیست، هر کس و هر چیز که مانع رسیدن به اهداف آنها شود دشمن تلقی می شود، این جنگ را در فرهنگ معاصر بنام ترور، هراس افگنی و ارباب لقب داده اند.

در این بحث کوشیده ام مفهوم و معنای جهاد از دیدگاه اسلام را مشخص سازم و اینکه آیا فریضه جهاد می تواند مجوزی برای توسل به هر اقدام جنگی باشد؟ تلاش کرده ام تا با استناد به قرآن و سنت و نظرات اندیشمندان و عالمان برجسته مسلمان مفهوم درست جهاد را بشکافم، بعدا کوشیده ام هراس افگنی و تروریزم را در مطابقت به فرهنگ ها و ادبیات مختلف تحلیل نمایم و یک بحث مقایسوی را بین جنگ و جهاد اسلامی بکشایم، تا خواننده گان عزیز تفاوت جهاد اسلامی و جنگهای شیطانی را بهتر بتوانند درک نمایند.

تمام آنچه گفته ام مستند و مستدل به آیات قرآن کریم، احادیث پیامبر اسلام و اقوال علماء بزرگ اسلام است که پیروی از آن وجبیه هر فرد مسلمان است، نشانی آیات قرآن کریم و مراجع احادیث و کتب معتبر فقه اسلامی را نشاندهی کرده ام، تا خواننده محترم به این رساله کوچک اکتفاء نکرده برای دست یابی به حقایق اسلامی تلاش بیشتر بخرج بدهد، امیدوارم این رساله دروازه باشد تا جوانان عزیز را از سقوط در منجلاب فتنه و فساد فکری و توطیه های استعماری و استثمارگری استکبار جهانی نجات بدهد.

مفهوم جهاد در اسلام:

جهاد یک اصطلاح شرعی و فقهی، دارای هدف مشخص و مقید به مبادی و اصول خاصی است که معادل این کلمه را در سایر زبانها دریافته نمی توانیم، همانند حج کم نمی توان آنرا به زیارت ترجمه نمائیم و یا زکات که نمی توانیم به پاکی ترجمه نمائیم، پس قبل از اینکه وارد بحث جهاد شویم باید بدانیم که به هر مفهومی که جهاد را توضیح و تعریف نمائیم ممکن است برخی از اصالت و مبادی آنرا متاثر بسازیم.

جهاد مصدر است از ریشه جهد به معنی سعی، کوشش، مبارزه و تلاش زیاد، این مساعی می تواند در عرصه های گوناگون زندگی مطرح بحث باشد، جهاد در اصطلاح شرعی عبارت از سعی و تلاش و تکافح برای کار ایجابی مشخص برای رضای خدا و خدمت به بنده گان خداوند متعال است، پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم جهاد با نفس و حواس شیطانی را بزرگترین جهاد خوانده است، یعنی اینکه مسلمان در مقابل خواهشات نفسانی و انانیت خود به جهاد و مبارزه برخیزد، قتال فی سبیل الله که در مقابل ظلم و دفاع حقوق انسانی برای تحقق عدالت، صلح، ثبات و اعاده مساوات انسانی بر معیار مصالح اجتماعی مسلمانان انجام میشود، جزء از جهاد اسلامی محسوب میگردد.

در قرآن کریم جهاد به معنی به کارگیری تمام امکانات برای نشر دعوت و معارف اسلام و دفاع از سرزمینهای مسلمانان مطرح شده است و نیز به مفهوم مبارزه با هوای نفس و تطبیق خواسته های خود با خواسته های الهی و تسلیم اراده او به کار رفته است که نهایتا زندگی بر مبنای تحصیل رضای خدا را نوید می بخشد، جهاد مفهوم عام و همه جانبه دارد و از اهمیت فوق العاده بهره مند می باشد، این کلمه در قرآنکریم دارای مفهوم کاملا مثبت و ارزشمند است که به طور خاص بر عمل ایجابی مومنان اطلاق می شود، اما اینکه مفهوم دقیق واژه جهاد از نظر قرآن چیست؟ نیازمند بررسی بیشتری است که در ادامه بحث به آن خواهیم پرداخت.

در آیات قرآنکریم کلمه جهاد به معانی متعدد اشاره دارد و دربر گیرنده تمام مساعی مسلمان برای تطبیق احکام الهی بالای خود و دیگران می باشد، وقتی مسلمان تلاش میکند تا از منکرات پرهیز کند و به اوامر خداوند پابند باشد این یک نوع جهاد است، وقتی کاری مفیدی را در جامعه انجام میدهد این نوعی از جهاد است، وقتی منکری را می بیند و در راه اصلاح آن میکوشد این نوعی از جهاد است، وقتی برای کسب رزق حلال کمر همت می بندد تا برای فامیل و جامعه خود مصدر خدمت گردد این نوعی از جهاد است، وقتی برای دعوت در راه خدا بیرون می شود تا جامعه انسانی را در راه رشد و سعادت دارین شان کمک نماید این نوعی از جهاد است، وقتی دشمن بالای سرزمین اش حمله میکند و مجبور میشود به دفاع مسلحانه برخیزد، این نوع جهاد در فقه اسلامی بنام قتال و حرب نامیده شده، علماء فقه اصول و ضوابط خاص برای آن وضع کرده اند که مسلمان مکلف است بر مبادی همان اصول، فعالیتهای جنگی خود را عیار نماید، سرکشی از اصول و مبادی متذکره شامل جهاد نمی باشد و منتج به فساد اجتماعی می گردد.

در قرآن کریم کلمه حرب و قتال معادل معنای جنگ قرار دارد، که شامل اقدامات جنگ طلبانه و اقدامات دفاعی و تلافی جویانه می باشد، بنابر این هر عمل گروهی که به دیگران تجاوز می کنند، را می توان قتال نامید و عمل کسانی که در برابر تجاوزگر، مقاومت کرده و از خود دفاع می کنند نیز قتال نامیده می شود، با این مفهوم قتال و حرب در قرآن کریم مفهوم عام و کلی دارد، هرگاه از قتال نام برده است پسوند فی سبیل الله در آن افزوده شده است و متواصل آن هر نوع تجاوز و تعدی را محکوم کرده است، هدف از پسوند فی سبیل الله اینست که جنگ مسلمان باید بر مبنی دساتیر الهی صورت گیرد، چنانچه می فرماید: وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ. سوره البقره آیه ۱۹۰

جنگ کنید در راه خدا با کسانی که شما را مجبور به جنگ ساخته اند و تجاوز نکنید، (یعنی غیرنظامیان، عاجزان، اطفال و زنان را نکشید) به درستی که خداوند اهل تعدی و ظالمان را دوست نمی دارد.

جهاد به مفهوم سعی و تلاش در راه توسعه اسلام و خدمت به بشریت تعبیر شده است، جهاد در بعد داخلی که عبارت از مجاهدت انسان به نفس و شهوات اوست و جهاد مسلحانه (قتال فی سبیل الله) که مقصود آن کفاح ظلم و تعدی می باشد بر مبادی شرایط و معیارات خاص توسط متولی امور مسلمین براه انداخته میشود، از جمله مبادی قتال تحریم هر نوع آزار و اذیت، تخریب منازل و شهرها و حتی اذیت رسانیدن به حیوانات و نباتات را شامل می باشد، نکته دوم اینکه قتال و حرب در اسلام هدف نیست، بلکه وسیله است که برای تحقق عدالت و محو ظلم و فساد تحت اداره و ضوابط خاص نظامی برای وقت محدود در محل خاص، برای حصول هدف معین براه می افتد، چنانچه در الهدایه بزرگترین کتاب فقه حنفی می خوانیم: (الجهاد فرض علی الکفایه و انه لاعزاز دین الله و دفع الشر عن العباد).^۱ یعنی جهاد مسلحانه فرض کفایی است که برای عزت دین خدا و دفع ضرر از بنده گان خدا بکار گرفته می شود.

دانشمندان غربی از روی جهل و تعصب در مفهوم جهاد اسلامی مغالطه کرده اند و با این مغالطه عمدی جوامع انسانی را در اشتباه انداخته اند، در افکار غرب جهاد به مفهوم جنگ مقدس مذهبی تعبیر شده است، که برای اکراه و اجبار مردم برای قبول دین اسلام براه می افتد، یا به عبارت دیگر جهاد را قتل و نابودی هر نوع افکار که مخالف اسلام باشد میدانند.

غرب با نامگذاری جهاد، به جنگ مقدس در صدد بیان این نکته بوده است، تا توجیه کند که جنگ یکی از عناصر اصلی ایمان اسلامی است، یعنی مسلمان همانگونه که به خدا، پیامبران، قرآن، شریعت، رستاخیز ایمان دارد و آنها را مقدس می داند جنگ نیز در نگاه او مقدس و وظیفه ای دینی بشمار می آید، این قضاوتی است که

^۱. الهدایه جلد دوم کتاب السیر

بسیاری از نویسندگان غربی در طول چندین قرن، آنرا رواج داده اند، آنها جنگ و خشونت را یک اصل اساسی در اسلام دانسته اند تا آنجا که برخی اسلام را دین شمشیر معرفی نموده اند.^۲

از نظر علماء غرب جنگ در اسلام، یک اصل استراتژیک و همیشگی است که از آن برای پیشبرد و توسعه اسلام و به انقیاد و اطاعت در آوردن غیر مسلمانان بهره گرفته می شود، پس جنگ برای اهداف دینی، یک قاعده کلی است و تنها زمانی این قاعده کلی، استثناء زده می شود که قدرت و امکان جنگ وجود نداشته باشد، این تبلیغات تا اندازه شدید و غیر منصفانه به پیش رفته است که برخی مسلمانان سطحی نگر را نیز متاثر ساخته است و برخی با مطالعه سطحی از تاریخ اسلام به این نظریه غربیان باور مند شده اند.^۳

ولی چنین قضاوتی نسبت به اسلام تا چه حد با حقیقت مبادی این دین آسمانی انطباق دارد؟ آیا اسلام جنگ را تقدیس می کند؟ آیا جنگ مقدس، ترجمه و تفسیر درستی از جهاد اسلامی است؟

برای دریافت پاسخ باید به متون قرآنی و تفاسیر علماء کرام و اصول فقه مراجعه نمائیم، در مراجعه به قرآن باید متوجه بود که تمام آیات این کتاب مقدس همانند زنجیره ایست که نمی شود با ترجمه یک آیت به مفهوم کلی آن دست یافت، باید در تفسیر آیات قرآنی به سایر آیات مراجعه نمائیم و قرآنکریم را بصورت کل در نظر گرفت تا معانی درست آنرا در روشنایی اقوال اهل تفسیر دریابیم و با این کار می توانیم به فهم درست آیات قرآنکریم نایل گردید.

قرآن کریم با شفافیت بی نظیری، یاد آور می شود که برخی از آیات آن، به دلیل ویژه گی خاصی که دارند امکان ارایه مفاهیم نادرست و غیر واقعی از آنها وجود دارد و در این صورت این آیات برخلاف هدف اصلی، می توانند دستاویز و بهانه ای برای فتنه و انحراف برخی مردم گردند، چنانچه می فرماید: (هو الذی انزل علیک الکتب منه آیات محکمات هن ام الکتب و اخر متشابهت، فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تاویله و ما یعلم تاویله الا الله، والراسخون فی العلم یقولون کل من عند ربنا و ما یذکر الا الوا الالباب) آل عمران ۷.

خداوند ذاتی است که فرستاد بر تو کتاب را، بعضی از آیات آن محکم اند (یعنی معانی آن واضح است) و همان اصل کتاب است و دیگران آیات متشابه اند (یعنی معنی آیات واضح و روشن نمی باشد)، پس کسانی که در دلهای شان کجی است، در پی آیات متشابه تاویلات بی مورد می نمایند، برای طلب گمراهی و برای تاویل در معانی قرآن، در حالیکه تاویل قرآن را جزء خداوند هیچ کسی نمی داند و کسانی که اهل علم و دانش اند (در پی تاویل

^۲. گذری بر اندیشه دینی در غرب از محمد ونگی فراهانی ص ۱۶۲-۱۶۱

^۳. ترور، اسلام، سکولاریسم تالیف: استاد علی بابیر. ترجمه و اضافات کمال روحانی

آیات قرآن نیستند) میگویند ایمان داریم به همه آنچه از پروردگار ما است، پند نمی گیرند (به قرآن) مگر اهل علم و خرد.

برای جلوگیری از اشتباه در آیات قرآن کریم، لازم است آیات متشابه با در نظر گرفتن آیات قطعی که از مفاهیم روشن برخوردارند تفسیر شوند و در نتیجه، برای فهم دقیق چنین آیات، باید همه قرآن و نه فقط بخشی از آن، مورد بررسی قرار گیرد، اگر بخواهیم با زبان قرآن پایه ها و عناصر اصلی را توصیف کنیم باید آنها را ریشه و اساس قرآن بدانیم و قرآن خود برای نشان دادن اهمیت زیر ساختی و هویت بخش این ریشه ها آنها را آیات محکم و استوار می نامد که نقش مادر را برای کل قرآن ایفاء می نمایند.

یکی از مهمترین این اصول و پایه های اساسی که می توان آنرا مادر قرآن نامید، اصل اراده پذیری و آزادی انسان است، اهمیت این اصل تا حدی مهم می باشد که تمام مبادی اصول شریعت اسلامی که در قرآن بیان شده، بر روی این اصل، مبتنی گردیده است، شریعت اسلامی، مسئولیتهایی را متوجه انسان می کند که جزء با صاحب اراده بودن او معنا پیدا نمی کند.

موضوع جنگ و صلح در قرآن، از موضوعاتی است که بیش از هر موضوع دیگر، دچار چنین سرنوشتی شده است با در کنار هم گذاردن آیات مرتبط به مسئله جنگ و جهاد کمترین تردیدی باقی نمی گذارد که نه تنها در قرآن چیزی به نام جنگ مقدس وجود ندارد بلکه جنگ از دیدگاه قرآن، از زشت ترین و منفورترین پدیده ها است.

جنگ چیست؟ جنگ در ساده ترین تعریف، اعمال و انجام خشونت با بهره گیری از سلاح به منظور تحمیل اراده خود بر دیگران می باشد.

با توجه به این تعریف، جنگ در هیچ شرایطی و به هیچ شکلی و با هیچ توجیهی مورد پذیرش و تائید قرآنکریم نمی باشد، در سرتاسر قرآن بارها خداوند به پیامبران خود یادآور می شود که آنان حق ندارند تا در فرایند تصمیم گیری انسان دخالت نموده و چیزی را به آنها تحمیل نمایند و نیز یاد آور می شود که اگر قرار بود برخی از انسانها اجازه داشته باشند که اراده خود را بر اراده دیگران تحمیل نمایند خداوند خود چنین می کرد و از همان آغاز انسانها را، آزاد و دارای اختیار و اراده نمی آفرید.

این یکی از پایه ها و عناصر اصلی تفکر قرآنی است که نمی توان آنرا نادیده گرفت و بر این اساس، نه تنها تحمیل اراده خود به دیگران با بهره گیری از آلات و ادوات جنگ از نظر قرآن مردود می باشد، بلکه هر نوع رفتار که به تحمیل و نفی اراده انسان بیانجامد، با آیات محکم و استوار قرآن تنافی و تضاد آشکار دارد. خداوند در قرآن، وظیفه پیامبران را آگاهی بخشی به انسانها می داند و البته از انسانها نیز انتظار دارد که آنان پس از آگاهی، مسئولیت خود را در برابر پروردگار خود انجام دهند ولی این خود انسانها هستند که تصمیم می گیرند دعوت

خداوند را اطاعت کنند یا مخالفت نمایند و طبعاً نتیجه این موافقت و مخالفت را نیز در روز قیامت مشاهده خواهند کرد.

جهاد مجاهدت نفس است در راه اطاعت خدا چنانچه پیامبر اسلام می فرماید: (روی أحمد و ابن حبان والحاكم و صححه و وافقه الذهبي أن النبي صلى الله عليه و سلم قال: المجاهد من جاهد نفسه في طاعة الله، والمهاجر من هجر ما نهى الله عنه. مجاهد آنست که هوای نفس خود را در اطاعت خداوند منحصر نماید و مهاجر آنست که امتناع ورزد از آنچه خداوند منع فرموده است.

جهاد نفس مهمترین مجاهدت در شریعت اسلامی خوانده شده است پیامبر اسلام در زمینه می فرماید: (أفضل الجهاد، جهاد النفس وتربيتها على طاعة الله) بهترین جهاد مجاهدت در مقابل نفس اماره است و پابندی در اطاعت خداوند متعال. پیامبر اسلام وقتی از غزوه عودت نمود به اصحاب خود فرمود: قدمتم خیر مقدم و قدمتم من الجهاد الأصغر إلى الجهاد الأكبر. رواه البخاری (قال مجاهده العبد لهواه) به خوبی از جهاد کوچک بازگشتید، اکنون بالای شما مجاهدت بزرگ در مقابل خواهشات نفسانی لازم است و این جهاد اکبر است.

گفتن سخن حق در مقابل پادشاه ظالم نیز جهاد است چنانچه می فرماید: (أفضل الجهاد كلمة عدل عند ذي سلطان جائر، رواه أبو داود والترمذی والنسائی) بهترین جهاد گفتن سخن عدل نزد پادشاه ظالم است.

تماس بنده: ahmadmunib@yahoo.com

ادامه دارد